



## Intellectual Property Rights in AI-Generated Works: An Ijtihādī Approach Based on the Foundations and Legal Maxims of Imāmī Jurisprudence

Fatimeh Fallah Tafti\*

Received: 13 October 2025 | Received in revised form: 06 December 2025 | Accepted: 20 February 2026 | Published: 30 March 2026

### Abstract

The rapid emergence of generative artificial intelligence (AI), with its capacity to produce novel content, has posed fundamental challenges to the intellectual property regime. The central issue addressed in this study is the uncertainty surrounding the attribution of intellectual property rights in works generated by such systems, which result from a complex interaction between human beings and machines. This article seeks to examine this challenge and to propose a framework for attributing intellectual property rights in AI-generated works from the perspective of Imāmī jurisprudence. The significance of this inquiry is both theoretical and practical. Given the expanding application of artificial intelligence, clarifying the jurisprudential ruling on this emerging phenomenon is essential for regulating the economic, cultural, and legal relations of individuals and institutions, thereby preventing legal uncertainty, the infringement of rights, and obstacles to the Sharī'ah-compliant utilization of such technologies. Employing a descriptive-analytical methodology, the study draws upon the sources of Imāmī jurisprudence and analyzes key principles and doctrines, including proprietary value (*māliyyah*), legal capacity for ownership, effort, intention, direct agency, causation, appropriation (*hiyāzah*), the principle that accretions follow the principal asset, the rule of *lā ḍarar* (no harm), and party autonomy. The article evaluates various scenarios concerning the ownership of AI-generated works. The principal hypothesis is that, because artificial intelligence systems lack legal capacity to own property, intellectual property rights in AI-generated works must be attributed to a human actor (either the user or the developer), with such attribution depending upon the degree of that actor's involvement, intention, and effort. The findings indicate that where AI functions merely as a tool, ownership belongs to the user; where AI serves as a creative collaborator, ownership generally belongs to the user, subject to modification through equitable contractual arrangements; and where the system operates with complete autonomy, ownership belongs to the developer of the system.



**Keywords:** Intellectual Property Rights; Artificial Intelligence; Imāmī Jurisprudence; AI-Generated Works; Māliyyah (Proprietary Value); Means of Acquiring Ownership.

\* Associate Professor, Department of Fiqh and Islamic Law, Faculty Member, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Islamic Republic of Iran; Email: [f.fallah@atu.ac.ir](mailto:f.fallah@atu.ac.ir)

□ Fallah Tafti, F. (2026)., Intellectual Property Rights in AI-Generated Works: An Ijtihādī Approach Based on the Foundations and Legal Maxims of Imāmī Jurisprudence. *Journal of New Perspectives in Islamic Jurisprudence*, 4 (1)., 98-123. <https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.13202.1212>



## مالکیت فکری آثار هوش مصنوعی: رهیافتی اجتهادی بر پایه مبانی و قواعد فقه امامیه

فاطمه فلاح تفتنی\*<sup>15</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۱ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۹/۱۵ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۲/۰۱ | تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۱/۱۰

### چکیده

ظهور چشمگیر هوش مصنوعی مولد، با توانایی خلق محتوای بدیع، نظام حقوق مالکیت فکری را با چالش‌های بنیادین مواجه ساخته است. مسئله اصلی این پژوهش، ابهام در تعیین مالکیت فکری آثار پدیدآمده توسط این سامانه‌هاست که محصول تعامل پیچیده انسان و ماشین هستند. هدف این مقاله، واکاوی این چالش و ارائه چارچوبی برای انتساب مالکیت فکری این آثار از منظر فقه امامیه است. ضرورت این بحث نه تنها نظری، بلکه عملی است؛ با گسترش روزافزون کاربرد هوش مصنوعی، تبیین حکم فقهی این پدیده مستحده برای تنظیم روابط اقتصادی، فرهنگی و حقوقی افراد و نهادها امری ضروری است تا از بی‌نظمی حقوقی، تضییع حقوق و موانع بهره‌برداری صحیح شرعی جلوگیری شود. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و با استناد به منابع فقه امامیه و تحلیل قواعد کلیدی (مانند مالیت، اهلیت تملک، سعی، قصد، مباشرت، سببیت، حیات، تبعیت نماء از اصل، لاضرر و حاکمیت اراده) به ارزیابی سناریوهای مختلف پرداخته است. فرضیه اصلی این است که مالکیت فکری آثار هوش مصنوعی به دلیل فقدان اهلیت تملک در ماشین، به فاعل انسانی (کاربر یا پدیدآورنده) منتسب می‌شود و این انتساب تابع میزان دخالت، قصد و سعی او خواهد بود. یافته‌ها نشان می‌دهد که مالکیت در سناریوی ابزار محض به کاربر، در سناریوی همکار خلاق غالباً به کاربر (با امکان تعدیل از طریق قراردادهای عادلانه)، و در سناریوی استقلال کامل به پدیدآورنده سیستم تعلق می‌گیرد.



**کلیدواژه:** مالکیت فکری، هوش مصنوعی، فقه امامیه، آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی، مالیت، اسباب تملک.

\* دانشیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه علامه طباطبائی تهران، تهران، ایران. | f.fallah@atu.ac.ir

□ فلاح تفتنی، فاطمه (۱۴۰۵). مالکیت فکری آثار هوش مصنوعی: رهیافتی اجتهادی بر پایه مبانی و قواعد فقه امامیه، پژوهش‌های

فقهی مسائل مستحده. ۴ (۱)، ۹۸-۱۲۳. https://doi.org/10.22091/rcjl.2025.13202.1212

## مقدمه

ظهور فزاینده هوش مصنوعی مولد، با قابلیت‌هایی نظیر خلق متن، تصویر، موسیقی و کد، قلمرو سنتی خلاقیت انسانی را به چالش کشیده است. این پدیده فناورانه، چالش‌های بنیادینی را در نظام‌های حقوقی و هنجاری، به‌ویژه در مالکیت فکری، ایجاد کرده است؛ زیرا ابهام در انتساب حقوق به آثاری که برآیند پردازش‌های الگوریتمی ماشین هستند، مسئله‌ای اساسی است. یکی از ابعاد مهم و مرتبط با این چالش، مسئله «مالکیت داده‌های آموزشی» است که هوش مصنوعی بر پایه آن‌ها تعلیم دیده و محتوا تولید می‌کند؛ به‌ویژه آن دسته از داده‌هایی که دارای حق تکثیر هستند و استفاده از آن‌ها ذیل قاعده «لاضرر» و دیگر قواعد فقهی نیازمند تبیین دقیق است. این موضوع، ابعاد حقوقی و اخلاقی پیچیده‌ای را در پیوند با مالکیت خروجی‌های هوش مصنوعی ایجاد می‌کند و توجه به آن برای تنظیم روابط عادلانه و شرعی در این حوزه ضروری است.

در ادبیات اندیشه حقوقی داخلی، آثار متعددی به بررسی ابعاد حقوق مالکیت فکری در بستر هوش مصنوعی پرداخته‌اند. فدوی و لعل‌علیزاده در مقاله‌ای مروری با عنوان «مالکیت آفریده‌های هوش مصنوعی؛ مروری بر چالش نوین حقوق مالکیت فکری در عصر فناوری»، به مهم‌ترین چالش‌های حقوقی در انتساب مالکیت به آثار تولیدی سامانه‌های هوش مصنوعی پرداخته‌اند. صلواتی و کمیلی‌پور نیز در مقاله «مالکیت فکری و هوش مصنوعی» به تحلیل تطبیقی جایگاه حقوق مالکیت ادبی و هنری در برابر فناوری‌های نوین پرداخته و خلأهای نظام موجود را برجسته ساخته‌اند. افزون بر این، شاکری در پژوهشی با عنوان «نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری در عصر هوش مصنوعی؛ ملاحظاتی برای سیاست‌گذاری در حکمرانی آتی»، بر ضرورت طراحی سیاست‌های تقنینی نوآورانه در سطح ملی برای مواجهه با تحولات فناورانه تأکید کرده است.

در سطح بین‌المللی نیز سازمان جهانی مالکیت فکری در گزارش‌های سال‌های اخیر به ابعاد اقتصادی و حقوقی آثار هوش مصنوعی پرداخته و اتحادیه اروپا در گزارش خود، سناریوهای حقوقی مالکیت آثار تولیدی هوش مصنوعی را بررسی کرده است. افزون بر این، پژوهش‌هایی درباره حدود اصالت و خلاقیت ماشینی و چالش‌های حقوق کپی‌رایت، از مهم‌ترین آثار خارجی در این زمینه محسوب می‌شوند.

اما وجه تمایز و نوآوری بنیادین پژوهش حاضر، دقیقاً در ماهیت رویکرد آن نهفته است. در حالی که مطالعات پیشین عمدتاً بر تبیین حکم وضعی، چالش‌های حقوق موضوعه و توصیه‌های سیاست‌گذاری متمرکز بوده‌اند، تحلیل آن‌ها در حوزه فقه به تبیین سطحی قواعد عام (نظیر لاضرر) محدود شده و فاقد عمق لازم برای استنباط حکم اولیه است.

این مقاله، در تکمیل و تعمیق پژوهش‌های پیشین، با اتخاذ رویکردی اجتهادی، نظام‌مند و تأسیسی، به واکاوی دقیق اسباب تملک و قواعد فقهی مالکیت در فقه امامیه می‌پردازد. هدف، نه صرفاً نقد آثار، بلکه استنباط، ارائه و تطبیق چارچوب حکم اولیه برای انتساب مالکیت فکری آثار خلق‌شده توسط هوش مصنوعی است؛ امری که برای تدوین مقررات متقن و بومی در این حوزه و رفع ابهامات حقوقی، حیاتی و ضروری است.

اهمیت حیاتی این بحث نه تنها از منظر نظری، بلکه از جنبه عملی نیز آشکار است؛ با گسترش روزافزون کاربرد هوش مصنوعی در جوامع اسلامی، تبیین حکم فقهی این مسئله مستحده برای تنظیم روابط اقتصادی، فرهنگی و حقوقی افراد و نهادها امری ضروری است. فقدان چارچوبی فقهی روشن می‌تواند به بی‌نظمی حقوقی، تضییع حقوق و موانع در مسیر نوآوری‌های سازگار با شریعت منجر شود.

این پژوهش درصدد است تا با تکیه بر منابع اصیل فقهی و توجه به اقتضائات زمانه، پاسخی مستدل و کارآمد برای این چالش نوپدید ارائه دهد. پرسش‌های اصلی تحقیق عبارتند از:

۱. آیا آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی از منظر فقه امامیه واجد وصف «مالیت» هستند؟

۲. آیا هوش مصنوعی می‌تواند به‌عنوان «مالک» شناخته شود؟

۳. بر اساس ادله و قواعد فقهی، مالکیت این آثار به کدام‌یک از اشخاص مرتبط (پدیدآورنده، کاربر) یا به چه نحوی تعلق می‌گیرد؟

۴. نقش عناصر «عمل»، «قصد» و «سببیت» در فرآیند خلق اثر با هوش مصنوعی و تأثیر آن بر تعیین مالک چگونه تحلیل می‌شود؟

این مقاله با اتخاذ روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع فقه امامیه، به بررسی عمیق مبانی نظری مالکیت و تطبیق آن بر موضوع می‌پردازد. ابتدا مفاهیم کلیدی و مبانی نظری فقهی تبیین می‌شود. سپس، با تحلیل قواعد فقهی حاکم، سناریوهای مختلف مالکیت ارزیابی و دیدگاه مبتنی بر ادله اقوی ارائه خواهد شد. در نهایت، نتایج تحقیق و دلالت‌های عملی آن برای نظام حقوقی و جامعه اسلامی بیان می‌گردد.

## ۱. مبانی نظری و مفاهیم کلیدی

تحلیل فقهی مالکیت آثار هوش مصنوعی مستلزم بازخوانی و تبیین مفاهیم بنیادین فقهی است.

### ۱-۱. مفهوم‌شناسی

- هوش مصنوعی مولد: منظور از هوش مصنوعی مولد، سامانه‌های الگوریتمی است که با آموزش بر مجموعه داده‌های وسیع، توانایی تولید محتوای جدید و نوآورانه در قالب متن، تصویر، صوت و کد را دارند. وجه مشخصه این سامانه‌ها آن است که فرآیند تولید محتوا در آن‌ها به‌صورت خودکار انجام می‌شود، هرچند کنترل نهایی همچنان در دست انسان باقی می‌ماند.
- مالکیت فکری: مالکیت فکری به حقوقی اطلاق می‌شود که شخص نسبت به نتایج فکری و ذهنی خود در حوزه‌های علمی، هنری، صنعتی یا تجاری دارد. این حقوق دارای ارزش اقتصادی بوده، قابل دادوستد هستند و موضوع آن‌ها

فعالیت‌ها و آثار خلاقانه انسان است. سازمان جهانی مالکیت فکری نیز مالکیت فکری را به‌عنوان حقوق قانونی ناشی از فعالیت‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری تعریف کرده است. در فقه امامیه، اگرچه این اصطلاح به‌صراحت وجود ندارد، اما فقهای معاصر با استناد به بنای عقلا، قاعده تسلیط، قاعده لاضرر، قاعده احترام و عمومات صحت عقود و شروط، اعتبار این حقوق را پذیرفته‌اند و آن‌ها را نوعی «حق مالی» یا «حق اختصاص» دانسته‌اند. تجاوز به این حقوق جایز نیست و موجب ضمان و مسئولیت مدنی خواهد بود (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۴، ص ۳۷۳؛ خویی، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۴۰۴؛ روحانی، ۱۴۱۴ ق، ج ۲، ص ۹۷).

## ۲-۱. مالیت آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی

در فقه امامیه، احراز وصف «مالیت» برای موضوع، شرط تعلق حق مالکیت و جواز معاملات شرعی است. «مال» چیزی است که دارای ارزش اقتصادی بوده، مورد رغبت عقلا قرار گیرد و قابلیت اختصاص به شخص معین را داشته باشد. مالیت ارتباط تنگاتنگی با ارزش مبادله‌ای دارد.

فقیهان معیارهای مختلفی برای مالیت ارائه داده‌اند، از جمله صرف منفعت، منفعت عقلایی یا معتدبه. با این حال، رویکرد غالب بر بررسی رفتار عرف و عقلا استوار است. بر اساس این دیدگاه، مالیت یک اعتبار عقلایی است که از نحوه تعامل عرف و عقلا با اشیاء، رغبت مردم به شیء، رقابت برای دستیابی به آن و وجود کمیابی نسبی که زمینه عرضه و تقاضا را فراهم می‌آورد، انتزاع می‌شود (حکیم، بی‌تا، ص ۵ و ۳۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۶۴). هرگاه شیئی به دلیل فواید مورد نظر عقلا و عدم وفور، موضوع عرضه و تقاضا قرار گیرد و در عرف مورد مبادله واقع شود، وصف مالیت بر آن صدق می‌کند. به‌عبارتی قوام مالیت به این است که شیء دارای منفعت عقلایی باشد (فائزی و بهرام ارجاوند، بی‌تا، ص ۱۳۰).

آثار تولیدی هوش مصنوعی (متون، تصاویر، کد و...) دارای منافع عقلایی و کاربردهای متنوع هستند. شکل‌گیری بازارهای خرید و فروش و اعطای حق استفاده از این آثار، قوی‌ترین دلیل بر احراز مالیت آن‌ها از منظر فقهی است. این آثار، به دلیل قابلیت اختصاص و عدم وفور مطلق، واجد شرایط لازم برای انتزاع عنوان «مال» محسوب می‌شوند. بنابراین، آثار هوش مصنوعی، در صورت دارا بودن این شرایط و قرار گرفتن در چرخه مبادلات عرفی، واجد وصف مالیت بوده و قابلیت تعلق حقوق مالی و مالکیت را دارا می‌باشند.

در این راستا، نقش «عرف نوظهور کاربران و توسعه‌دهندگان» هوش مصنوعی در شکل‌گیری و تثبیت «مالیت» برای آثار تولیدی این سامانه‌ها و همچنین در تبیین قواعد قراردادی و حقوقی حاکم بر روابط میان ایشان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این عرف، به تدریج مبنای اعتبارات عقلایی جدیدی در این حوزه خواهد بود و می‌تواند در تفسیر و تطبیق قواعد فقهی بر پدیده‌های مستحدثه هوش مصنوعی راهگشا باشد.

### ۳-۱. ملکیت و اهلیت تملک

ملکیت در فقه، یک رابطه اعتباری قائم به ذات بین مالک و شیء مملوک است که به مالک سلطنت اعتباری و اختیار تصرفات خاص در آن شیء را می‌دهد (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۰، ص ۴۹۲؛ حسینی زبیدی، ۱۴۱۴ ق، ج ۱۳، ص ۳۴۶-۶۴۷؛ فیومی، ۱۴۱۴ ق، ص ۵۷۹). فقها ملکیت را نوعی «سلطنت» یا «رابطه‌ای قراردادی و اختصاص» تعریف کرده‌اند (انصاری، بی تا، ج ۱، ص ۵۴؛ خویی، بی تا، ج ۳۶، ص ۲۷-۲۸).

اهلیت تملک، قابلیت شخص برای دارا شدن حق (اهلیت تمتع) و تحمل تکلیف است (شهیدی، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۱). این اهلیت، شرط لازم برای انتساب مالکیت به یک شخص است و هر شخص زنده‌ای از آن برخوردار است، حتی صغیر و مجنون (صفایی، بی تا، ج ۱، ص ۷۸). اما اهلیت دارا شدن حق با اهلیت اجرای حق (استیفاء) متفاوت است؛ اهلیت استیفاء، که شرط صحت معاملات است، مستلزم عقل، بلوغ و رشد است. همچنین، شیء مورد تملک نیز باید دارای منافع عقلایی و حلال باشد و از طرق مشروع به دست آید (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۴۷۰، ۴۹۰-۴۹۳؛ انصاری، بی تا الف، ج ۱، ص ۸۱-۸۲).

با توجه به این مبانی، هوش مصنوعی فاقد اهلیت تملک است. هوش مصنوعی با تعریف کنونی، فاقد حیات بیولوژیک، شعور، اراده ذاتی، قصد فقهی و اهلیت تکلیف (مسئولیت شرعی) است. این یک ابزار مصنوع و برنامه‌ریزی شده است، نه یک «شخص» به معنای فقهی. بنابراین، هوش مصنوعی نمی‌تواند به طور مستقل مالک آثار تولیدی خود باشد. مالکیت این آثار باید به شخص حقیقی یا حقوقی دارای اهلیت تملک (مانند برنامه‌نویس، شرکت توسعه‌دهنده، یا کاربر) انتساب یابد.

### ۴-۱. اسباب تملک و ارتباط آن با خلق اثر

مالکیت از طریق «اسباب» معینی حاصل می‌شود که به دو دسته اصلی تقسیم می‌شوند:

- اسباب قهری: این اسباب خارج از اراده شخص عمل می‌کنند، مانند ارث (محقق حلی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۲۱۵).
- اسباب اختیاری: اراده و عمل شخص در آن‌ها نقش محوری دارد و در بحث مالکیت آثار تولیدی اهمیت بسزایی دارند:
- کار (عمل): منشأ اصلی پیدایش مالکیت برای افراد، تلاش انسانی است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۸-۳۹ و ۴۵-۴۶). قاعده فقهی «احترام عمل مسلم» نیز مؤید ارزش و اعتبار اقتصادی عمل انسان در ایجاد حق و مالکیت است (بجنوردی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱، ص ۴۹-۵۶). در خلق اثر توسط هوش مصنوعی، باید تحلیل شود که آیا صرف ارائه دستور توسط کاربر یا کار برنامه‌نویس در طراحی سیستم، مصداق این «عمل» مستحق مالکیت است.

- حیازت مباحات: به دست آوردن و تحت سلطه در آوردن اشیایی است که مالک خاصی ندارند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۳، ص ۳۸-۳۹ و ۴۵-۴۶). در مورد آثار هوش مصنوعی، این پرسش مطرح است که آیا ایده‌ها، داده‌ها یا خروجی‌های هوش مصنوعی پیش از تعلق به شخصی خاص، در حکم «مباح» هستند که با «عمل حیازت گونه» کاربر یا پدیدآورنده به تملک در آیند.
  - عقود و معاملات: قراردادهای مشروع (مانند بیع، اجاره) از اسباب مهم انتقال مالکیت هستند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۳۴۹). اگرچه این اسباب مستقیماً به «خلق» اثر مربوط نیستند، اما در چرخه حقوقی آثار (مانند واگذاری حقوق مادی) نقش حیاتی دارند.
- علاوه بر اسباب مستقیم تملک، مفهوم «سببیت» نیز در فقه کاربرد دارد. در مواردی که عوامل متعددی در ایجاد نتیجه نقش دارند، فقه میان «سبب» (عامل غیرمستقیم) و «مباشر» (عامل مستقیم) تمایز قائل می‌شود. قاعده «السبب أقوى من المباشر» در تحلیل مالکیت آثار هوش مصنوعی می‌تواند راهگشا باشد؛ مثلاً بررسی می‌شود که آیا کاربر (با دستور اولیه) «سبب» است و هوش مصنوعی «مباشر»، یا پدیدآورنده هوش مصنوعی «سبب اقوی» در پیدایش قابلیت تولید اثر است. این مبانی نظری، شالوده تحلیل دقیق‌تر انتساب مالکیت آثار هوش مصنوعی را فراهم می‌آورند.

## ۲. تحلیل فقهی مالکیت آثار هوش مصنوعی

پس از اثبات مالیت آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی و نفی اهلیت تملک خود آن، نوبت به تحلیل عمیق‌تر مالکیت این آثار با استعانت از ادله و قواعد بنیادین فقه امامیه می‌رسد. این قواعد به مثابه اصول راهنما، به تبیین نحوه انتساب این اموال فکری به اشخاص واجد اهلیت (پدیدآورنده یا کاربر) یاری می‌رسانند.

### ۲-۱. اصالت «سعی» و «عمل» انسان

محوری‌ترین اصل قرآنی در نظام کار و مالکیت اسلامی، آیه شریفه «وَأَنَّ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم، ۳۹) است که ثمره را به «سعی کننده» اختصاص می‌دهد. فقها برداشتی موسع از واژه «سعی» دارند که صرفاً شامل تلاش فیزیکی نیست، بلکه هرگونه تصرف و اقدام هدفمند، اعم از فیزیکی یا فکری و قلبی را در بر می‌گیرد (استرآبادی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۸). این برداشت، تلاش کاربر در فرآیند تولید اثر با هوش مصنوعی - شامل ارائه ایده، تنظیم دقیق دستور، گزینش، اصلاح و نهایی‌سازی اثر - را مصداق کامل «سعی» می‌داند که موجد مالکیت است.

فقها در ذیل این آیه، بحث «سببیت» را مطرح کرده‌اند؛ هرچند عمل نایب برای منوب‌عنه مفید است، اما میان آن‌ها رابطه سببیت وجود دارد (علامه حلی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۵۳۰؛ مروارید، ۱۴۱۰، ج ۶، ص ۱۰۹). این منطبق در مسئله حاضر نیز قابل تطبیق است:

• سعی مُعَدَّ (علت آماده کننده): تلاش توسعه‌دهنده برای ساخت ابزار هوش مصنوعی. این سعی، علت بعیده و زمینه‌ساز است و به خودی خود اثری معین را خلق نمی‌کند.

• سعی مباشر و مؤثر (علت تامه): تلاش کاربر از طریق ارائه دستورالعمل مشخص. این سعی، علت قریب و مؤثری است که مستقیماً منجر به وجود آمدن یک اثر معین می‌شود. هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار است؛ همانند قلم که مالک نوشته نیست، مالکیت اثر دیجیتال نیز متعلق به کسی است که با «سعی مباشر» خود آن را از قوه به فعل درآورده است، و این اراده، فکر و دستور کاربر است.

علامه حلی پیوند عمیق میان «سعی» و «قصد» را با استناد به آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» و روایت «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» آشکار می‌سازد (علامه حلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۲، ص ۲۴۵). در موضوع هوش مصنوعی، این تفکیک راهگشاست:

- قصد توسعه‌دهنده: قصدی «عام» و «کلی» برای ساخت ابزاری چندمنظوره است.
- قصد کاربر: قصدی «خاص» و «معین» برای خلق یک اثر مشخص. اثر تولیدشده تجلی «قصد خاص» کاربر است و او مصداق اتم «لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى» است. لذا مالکیت اثر به او تعلق می‌گیرد.

فقه‌آیه «لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ...» را یک «اصل عام» و بنیادین تلقی می‌کنند (حکیم، بی تا، ج ۱۱، ص ۱۱؛ فخرالمحققین، بی تا، ج ۱، ص ۲۳۷). این آیه اصل حقوقی تعلق نتیجه به صاحب سعی را بنیان می‌نهد. بنابراین، مالکیت کاربر بر اثر تولیدی، وضعیت پیش فرض و مطابق با قاعده است. هر ادعایی مبنی بر اعطای مالکیت به غیر کاربر (مانند توسعه‌دهنده)، ادعایی خلاف اصل بوده و بار اثبات آن بر عهده مدعی است و در غیاب دلیل قاطع، مالکیت کاربر بر اساس سعی مستقیم و مؤثر او محرز است. از این رو، در سطح سیاست گذاری حقوقی، پیشنهاد می‌شود «اصالت تلاش خلاقانه کاربر» به عنوان یک اماره قانونی برای احراز مالکیت اولیه در نظر گرفته شود و در قراردادهای استناددارد پلتفرم‌های هوش مصنوعی، این اصل به عنوان فرض اولیه لحاظ گردد.

## ۲-۲. مشروعیت تملک از طریق قرارداد و تراضی

آیه شریفه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» (نساء، ۲۹) اصلی محوری در فقه معاملات است. این آیه به صراحت تملک و تصرف در اموال را به «باطل» نهی می‌کند و تنها راه مشروع را «تجارة عن تراض منكم» می‌داند. «أكل» کنایه از تملک و تصرف، و «باطل» هر سببی است که شرعاً مشروع نباشد، مانند ربا، قمار، غصب و ظلم (انصاری، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ص ۳۳۴؛ سبحانی تبریزی، ۱۴۲۹ ق، ج ۷، ص ۴۵۳؛ مروارید، ۱۴۱۰ ق، ج ۱۳، ص ۱۸۹؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۷۸). این نهی هم شامل حرمت تکلیفی و هم بطلان وضعی است (انصاری، ۱۴۱۵ ق، ج ۴، ص ۴۵۱؛ انصاری، ۱۴۱۳ ق، ج ۷، ص ۲۵۴).

استثنای «إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ» بیانگر آن است که تنها راه مشروع، «تجارت همراه با تراضی» است. تجارت در اینجا به معنای مبادله مال با مال، عمل یا حق است (خویی، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص ۹). قید «عن تراض» نیز به معنای رضایت و اذن حقیقی طرفین معامله است (سبحانی تبریزی، بی تا، ج ۱، ص ۴۶۴؛ مقدس اردبیلی، بی تا، ج ۱، ص ۴۲۷). «باطل» در آیه، باطل واقعی و شرعی است، یعنی هر سببی که مورد امضای شارع نباشد و خلاف ضوابط و موازین شرعی تلقی شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ق، ج ۱، ص ۷۸). در مورد آثار هوش مصنوعی، اگر قائل به عدم مالکیت هوش مصنوعی (به دلیل فقدان اهلیت و اراده) باشیم، اهمیت نقش انسان در ایجاد ارزش قابل تملک آشکار می‌شود. اگر اثری بدون هیچ‌گونه «سعی» (شامل ایده، هدایت، انتخاب و اصلاح) از جانب انسان پدید آید و صرفاً خروجی اتفاقی یا بی‌هدف هوش مصنوعی باشد، تملک اولیه آن نیازمند سبب مشروع شرعی است. آیه «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ» شامل مواردی است که مال به طریق مشروعی پدید نیامده یا به تملک کسی درنیامده باشد.

در فرآیند تولید اثر توسط هوش مصنوعی با دخالت انسانی (کاربر)، «تجارت عن تراض» در دو مرحله مطرح می‌شود: ۱. مرحله اول: تولید و تملک اولیه اثر: پرسش این است که آیا اثری که توسط هوش مصنوعی و با دخالت کاربر تولید شده، به طریق مشروع به ملکیت کاربر درآمده است؟ اینجا آیه «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (که پیش‌تر به آن پرداختیم) نقش مکمل پیدا می‌کند. اگر سعی کاربر را سبب مشروع تملک اولیه بدانیم، اثر مال او محسوب شده و وارد مرحله بعد می‌شود. در صورت عدم وجود هیچ سعی و تلاشی از سوی انسان، تملک یا تجارت بر آن می‌تواند مصداق «أَكَلَ مَالَهُ بِالْبَاطِلِ» باشد، زیرا سببی برای انتساب اولیه آن به مالک وجود ندارد.

۲. مرحله دوم: مبادله اثر تولیدشده: پس از اینکه اثر به ملکیت کاربر درآمد (با فرض مشروعیت تملک اولیه)، آنگاه «تجارت عن تراض» (مبادله با مال دیگر از طریق بیع، اجاره، صلح و...) برای انتقال آن به دیگران جایز و مشروع است. در این مرحله، رضایت دو طرف معامله شرط صحت تجارت است.

نکته محوری آیه آن است که هرگونه تصرف یا تملک اموال (شامل آثار فکری) که ریشه در یک «سبب مشروع شرعی» نداشته باشد، «باطل» و حرام است. تنها راه مشروع برای تملک و گردش اموال، «تجارت» است که خود باید بر پایه «رضایت و اذن واقعی طرفین» شکل گیرد.

در بستر هوش مصنوعی، این بدان معناست که مالیت و قابلیت تملک یک اثر تولید شده، متوقف بر وجود یک «سبب شرعی» برای تملک اولیه آن است. این سبب شرعی می‌تواند «سعی و تلاش انسانی» (ایده‌پردازی، پرامپت‌نویسی، انتخاب، اصلاح) باشد که به هوش مصنوعی جهت می‌دهد. اگر این «سعی» انسانی به‌عنوان سبب شرعی تملک اولیه در نظر گرفته نشود و اثر صرفاً خروجی بی‌هدف یا مستقل یک سیستم هوش مصنوعی باشد (که فاقد اهلیت تملک است)، در این صورت، اساساً «مالکیتی» شکل نمی‌گیرد که بتواند موضوع «تجارت عن تراض» واقع شود و هرگونه «أکل» و تصرفی در آن «باطل»

خواهد بود. این تحلیل فقهی، ضرورت شفاف‌سازی قراردادهای بهره‌برداری از هوش مصنوعی را دوچندان می‌کند. لازم است این قراردادها به‌صراحت تبیین کنند که «سبب مشروع» تملک اثر چیست و آیا کاربر با پذیرش شروط، حقوق ناشی از «سعی» خود را به توسعه‌دهنده واگذار می‌کند یا خیر، تا از وقوع معاملات غرری و باطل جلوگیری شود.

### ۲-۳. قاعده حیازت

قاعده حیازت به معنای «مَنْ حَازَ مَلَكًا» (کسی که حیازت کرد مالک می‌شود) است و بیانگر آن است که هر کس چیزی را تحت سلطه خود درآورد (استیلا)، مالک آن می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۸۰). اگرچه عبارت به‌طور صریح در روایات با همین الفاظ وجود ندارد و برخی فقها (مانند صاحب جواهر و علامه خویی) به این نکته اشاره کرده‌اند (خویی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۴۵؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۴۰۲)، اما معنای آن از روایات متعددی قابل استنباط است. این قاعده از جمله «قواعد اصطیادی» محسوب می‌شود که فقها از روایات و سیره عقلا آن را استنباط کرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۱). از جمله: این روایت از امیرالمؤمنین (ع) که در پاسخ به سؤالی در مورد پرنده‌ای که دیده شده ولی دیگری آن را گرفته فرمودند: «للعین ما رأَتْ و للیل ما أخذت» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۳۶۶). این حدیث به‌وضوح بر نقش «ید» (تسلط فیزیکی یا حکمی) در ایجاد مالکیت دلالت دارد و قوی‌ترین مستند روایی برای قاعده حیازت است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۵).

همچنین از امام صادق (ع) نقل شده است که هر کس مال یا حیوانی را در بیابانی بیابد که صاحبش آن را رها کرده و او با تیمار آن را از مرگ نجات دهد، مالک آن خواهد شد. امام (ع) در استدلال فرموده‌اند: «إِنَّمَا هِيَ مِثْلُ الشَّيْءِ الْمُبَاحِ» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۷، ص ۳۶۴). این روایت دلالت دارد که هر مال مباحی از طریق حیازت در ملکیت حیازت‌کننده قرار می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۵). علاوه بر روایات عام، روایات متعددی در موارد خاص (مانند پرندگان، ماهیان دریا، حیوانات صیدشده) حکم به مالکیت اشیاء از طریق حیازت داده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۴). فقها به استقرار سیره عقلا بر اینکه هر کس چیزی از مباحات را حیازت کند، مالک آن می‌شود، نیز استناد کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۸۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۲). این سیره مورد امضای شارع نیز قرار گرفته است. برخی فقها به آیه «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹) برای اثبات مالکیت از طریق حیازت استناد کرده‌اند (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۸۰). استدلال این است که خداوند آنچه در زمین است را برای تملک انسان آفریده و راه تملک، استیلا (حیازت) است.

قاعده حیازت تنها در مباحات جاری است (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۴۰۲). مباحات به چیزهایی گفته می‌شود که خداوند خلق کرده و در ملکیت کسی نیستند، مانند پرنده در آسمان و ماهی در آب. همچنین زمین‌های موات (که مالک خاصی ندارند و احیا نشده‌اند) نیز در این دسته قرار می‌گیرند، هرچند تملک

آن‌ها صرفاً با استیلا حاصل نمی‌شود و نیاز به احیا دارد (مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، ۱۳۸۱، ج ۱۲، ص ۴۰۲). در مورد قصد مالکیت در حیازت اختلاف نظر وجود دارد. فتاوی فقها و اطلاق قاعده «مَنْ حَازَ مَلَكًا» دلالت بر عدم شرطیت قصد مالکیت دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۱۲۱). یعنی صرف حیازت، ملکیت ایجاد می‌کند، حتی اگر شخص حیازت‌کننده التفات به این مسئله نداشته باشد که با حیازت، مالک می‌شود.

اما برخی فقها معتقدند که در حیازت، صرفاً قصد تملک کفایت نمی‌کند، بلکه قصد حیازت (یعنی قصد استیلا و تحت سلطه درآوردن) لازم است. محقق نجفی در این باره بیان می‌دارد که: «ظاهر ادله حیازت (مانند حدیث «مَنْ أَحْيَى أَوْ حَازَ») اعتبار قصد فعل به‌عنوان استیلا و تحت سلطه درآوردن است. این استیلا و سلطه است که در عرف، مصداق مالکیت بوده و شرع بر آن حکم به ملکیت مترتب می‌کند. بنابراین، استیلا باید با قصد فعل استیلا باشد، نه اینکه صرفاً چیزی در اختیار او قرار گیرد» (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۲۷، ص ۳۸۱). به عبارت دیگر، حیازت زمانی محقق می‌شود که فرد با قصد ایجاد سلطه خارجی و عینی، آن مال را در اختیار بگیرد.

مشهور فقها معتقدند که حیازت، امری مباحثی است و تسبیحی نیست، لذا اگر کسی دیگری را اجیر کند تا برای او مباحثات را جمع‌آوری کند، شخص اجیرکننده (موجر) مالک نمی‌شود، بلکه خود اجیر که مباشر در حیازت است، به همان اندازه که جمع‌آوری کرده، مالک خواهد بود (حکیم، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۱۲۴). با این حال، برای حل مشکل تسبیح، معامله سلفی (پیش‌خرید) پیشنهاد شده است. در این صورت، شخص سرمایه‌دار می‌تواند با پرداخت نقدی پول و تعیین زمان و اوصاف، آنچه را که اجیران در آینده حیازت می‌کنند و مالک آن می‌شوند، از قبل خریداری کند (همان).

با توجه به مبانی قاعده حیازت، می‌توانیم حکم مالکیت آثار هوش مصنوعی را استنباط کنیم. نخستین پرسش این است که آیا آثار هوش مصنوعی در زمره «مباحثات» قرار می‌گیرند یا خیر؟

اگر آثار هوش مصنوعی به گونه‌ای باشند که بدون هیچ‌گونه دخل و تصرف یا ایده‌پردازی انسانی، به صورت کاملاً تصادفی و خودکار تولید شوند، و قبلاً مالکی نداشته باشند، می‌توان آن‌ها را در رده «مباحثات» اولیه در نظر گرفت. به عنوان مثال، اگر یک سیستم هوش مصنوعی به صورت تصادفی و بدون هیچ هدف‌گذاری مشخصی توسط انسان، کدی را تولید کند که دارای کاربرد یا ارزشی باشد، این کد می‌تواند در ابتدا مباح تلقی شود. حتی اگر اثر هوش مصنوعی را در زمره مباحثات در نظر بگیریم، برای تملک آن از طریق حیازت، نیاز به سلطه و استیلای انسانی (ید) است. این استیلا در مورد آثار هوش مصنوعی، متفاوت از حیازت فیزیکی پرنده یا ماهی است.

- «ید» توسعه‌دهنده: توسعه‌دهنده هوش مصنوعی با ساخت، آموزش و نگهداری سیستم، زمینه‌ساز تولید آثار می‌شود. این کار او را می‌توان به نوعی بسط ید حکمی بر کلیت خروجی‌های سیستم تلقی کرد. اما آیا صرف توسعه سیستم،

او را مالک تمام خروجی‌های نامشخص و بی‌شمار می‌کند؟ این امر مورد تردید است، چراکه حیازت در فقه نیازمند تسلط بر شیء حیازت شده است، نه ابزار حیازت.

• «ید» کاربر: کاربر با تعیین پارامترها، ارائه پرامپت (دستورات متنی)، انتخاب از میان خروجی‌ها، یا اعمال تغییرات و اصلاحات نهایی، در واقع بر خروجی هوش مصنوعی استیلا پیدا می‌کند. این استیلا، از جنس استیلای فکری و عملی هدفمند است که منجر به خلق یک اثر خاص می‌شود. هوش مصنوعی در این فرآیند، نقش ابزار را ایفا می‌کند، ابزاری هوشمند که «ید» کاربر بر آن اعمال می‌شود تا مال (اثر) را حیازت کند. این همان «قصد الفعل بعنوان الاستیلاء» است که محقق نجفی به آن اشاره می‌کند.

با توجه به اینکه بسیاری از فقها قائل به عدم شرطیت «قصد مالکیت» و صرفاً شرطیت «قصد حیازت» هستند، در مورد آثار هوش مصنوعی، قصد کاربر در جهت استیلا بر خروجی و استفاده از آن کفایت می‌کند (رک: مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۲۸۳). به عبارت دیگر، همین که کاربر با پرامپت‌نویسی یا تنظیمات، قصد تولید و انتخاب آن خروجی را داشته باشد، این «قصد حیازت» محقق می‌شود.

نظر مشهور فقها بر عدم امکان حیازت تسبیبی است. بنابراین، اگر کاربری هوش مصنوعی را به‌عنوان ابزاری در دست خود برای حیازت مستقیم به کار گیرد (یعنی خودش به هوش مصنوعی دستور دهد و خروجی را انتخاب کند)، حیازت به‌صورت مابشری توسط کاربر انجام شده و او مالک اثر می‌شود.

اما اگر فردی، هوش مصنوعی را برای دیگری استخدام کند تا برای او آثاری را تولید کند (مانند استخدام برنامه‌نویس برای توسعه یک هوش مصنوعی خاص)، با توجه به نظر مشهور، مالکیت اثر ابتدا برای مابشر (فرد استخدام‌شده) حاصل می‌شود. برای اینکه مالکیت به استخدام‌کننده منتقل شود، نیاز به معامله سلفی یا عقد دیگری است که آثار حیازت شده را از مابشر به او منتقل کند. البته برخی فقها، در بحث اجاره، حیازت اجیر را حیازت مستأجر می‌دانند، در صورتی که اجیر با قصد نیابت برای مستأجر حیازت کند (روحانی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۱۵۹). این دیدگاه می‌تواند راهی برای تملیک آثار هوش مصنوعی به کارفرما، حتی در صورت تسبیب، باز کند.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که:

۱. اگر آثار هوش مصنوعی به‌گونه‌ای باشند که مسبوق به هیچ‌گونه مالکیت انسانی نبوده و در زمره «مباحات» قرار گیرند، اصل امکان تملک آن‌ها از طریق حیازت وجود دارد.

۲. فاعل اصلی حیازت و استیلا بر این آثار، «انسان» است نه خود هوش مصنوعی. هوش مصنوعی در این فرآیند، نقش

ابزار هوشمند را ایفا می‌کند که انسان (کاربر یا توسعه‌دهنده) از آن برای اعمال «ید» و استیلا بر «مباح» استفاده می‌کند.

۳. کاربر انسانی که با «سعی فکری و عملی» خود (مانند پرامپت‌نویسی، تنظیمات، انتخاب و اصلاح) و با «قصد حیازت» بر خروجی هوش مصنوعی استیلا پیدا می‌کند، مصداق «حیازت‌کننده» است و مالک اثر تولیدشده توسط هوش مصنوعی خواهد شد. این حیازت، از نوع مباحثی و از طریق ابزار هوش مصنوعی صورت می‌گیرد.

۴. در مواردی که حیازت از طریق تسبیب صورت گیرد (مانند استخدام فردی برای کار با هوش مصنوعی)، با توجه به نظر مشهور فقها، مالکیت ابتدا برای مباشر (فرد استخدام‌شده) حاصل می‌شود و برای انتقال آن به استخدام‌کننده، نیاز به عقد و معامله‌ای جداگانه است. با این حال، دیدگاهی نیز وجود دارد که اگر اجیر با قصد نیابت برای مستأجر حیازت کند، مالکیت به مستأجر منتقل می‌شود که این می‌تواند در مورد آثار هوش مصنوعی نیز قابل تعمیم باشد، در صورتی که فرد مباشر (کسی که با هوش مصنوعی کار می‌کند) قصد حیازت برای کارفرما را داشته باشد.

بنابراین، قاعده حیازت، مبنای محکمی برای اثبات مالکیت آثار هوش مصنوعی، با تأکید بر نقش استیلا و ید انسانی هدفمند در فرآیند تولید و انتخاب این آثار، فراهم می‌آورد. بر این اساس، به نهادهای تقنینی توصیه می‌شود که در تدوین مقررات، عمل «انتخاب و نهایی‌سازی» یک اثر توسط کاربر را مصداق حقوقی «حیازت» مال فکری تلقی کرده و برای آن آثار حمایتی کامل قائل شوند.

#### ۴-۲. قاعده تبعیت نماء از اصل

نماء در لغت به معنای «زیاده و نتاج» (افزایش و تولید) است که از اموال (مانند زمین، حیوان، درخت، و نظایر آن) حاصل می‌شود. این افزایش می‌تواند شامل تولیدات مادی مانند میوه، شیر، و زاد و ولد حیوان، یا افزایش کیفی مانند چاقی و رشد باشد. اصل نیز به ذات و عین مال، که منشأ این نماء است، اطلاق می‌گردد. بنابراین، معنای قاعده آن است که هرگونه افزایش یا تولیدی که از یک مال ناشی می‌شود، در ملکیت و تعلق به همان مال اصلی است (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۸۱).

قاعده «تبعیة النماء للأصل» اصلی فقهی است که بیان می‌دارد هرگونه افزایش یا منفعتی (نماء) از یک مال (اصل) حاصل شود، متعلق به مالک همان اصل خواهد بود. این قاعده بر ارتکاز عرفی بنا شده است، زیرا نماء امتداد و جزئی از ذات اصل محسوب می‌شود و عرفاً مالکیت آن تابع اصل است (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۸۱). از جمله روایات مؤید این قاعده، موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق (ع) است که در آن، تعلق سود (غله) به خریدار را به دلیل اینکه اگر خانه می‌سوخند، ضرر آن بر عهده او بود، توجیه می‌کند (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۱۲، ص ۳۵۵). همچنین، قاعده نبوی «الخراج بالضمآن» (سود در مقابل ضمان است) نیز مؤید این اصل است؛ طبق این قاعده، هر کس مسئولیت مالی را بر عهده گیرد، منافع آن نیز برای اوست و این قاعده بر تبعیت نماء از عین در برخی موارد تقدم دارد (خوانساری نجفی، بی تا، ج ۱، ص ۱۴۳). تسالم و اجماع فقها نیز از دیگر ادله قاطع این قاعده است (مصطفوی، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۸۲). نماء به دو دسته منفصل (مانند میوه) و متصل (مانند

چاقی) تقسیم می‌شود که هر دو تابع اصل هستند (سبزواری، بی تا، ج ۲۱، ص ۲۷۴ و ۳۳۱). این قاعده در حل اختلافات مربوط به مضاربه، رهن، مالکیت فرزند کنیز و نماء در عقود با خیار کاربرد فراوانی دارد.

تطبیق قاعده «تبعیت نماء از اصل» بر مالکیت آثار تولیدشده توسط هوش مصنوعی، یک چالش نوین و پیچیده در فقه معاصر است، زیرا ماهیت «اصل» (هوش مصنوعی) و «نماء» (آثار تولیدی آن) در این بستر با مصادیق سنتی تفاوت اساسی دارد.

اگر هوش مصنوعی را صرفاً یک ابزار بدانیم که توسط انسان (چه توسعه‌دهنده و چه کاربر نهایی) به کار گرفته می‌شود، آنگاه آثار تولیدشده توسط آن (اعم از متن، تصویر، کد، موسیقی، و سایر محتواها) «نماء» مستقیم خود هوش مصنوعی نیستند، بلکه «نماء» عمل و سعی انسانی هستند که با استفاده از این ابزار صورت گرفته است. در این صورت، بر اساس قاعده تبعیت نماء از اصل، نماء حاصل از عمل انسانی، متعلق به فاعل آن عمل (انسان) خواهد بود. این تحلیل، مشابه وضعیت ابزارهای مکانیکی یا نرم‌افزارهای سنتی است؛ محصول نجار متعلق به اوست نه به اره‌ای که استفاده کرده، یا محصول طراح متعلق به اوست نه به نرم‌افزار گرافیکی که به کار برده است.

اگر فرض کنیم هوش مصنوعی (در قالب یک نرم‌افزار، الگوریتم، یا سیستم پیچیده) به درجه‌ای از استقلال برسد که بتوان آن را به‌خودی‌خود یک «اصل» یا «مال» در نظر گرفت که بدون دخالت مستقیم و مستمر انسان، به‌طور مستقل آثاری تولید می‌کند (مثلاً در یک فرآیند خودکار تولید محتوا که نیازی به پرامپت‌نویسی مکرر ندارد)، آنگاه می‌توان بحث کرد که آثار تولیدشده، «نماء» همان سیستم هوش مصنوعی هستند. در این حالت، بر اساس قاعده تبعیت نماء از اصل، مالک آن سیستم هوش مصنوعی، مالک آثار تولیدشده نیز خواهد بود. این دیدگاه مستلزم تعریف و پذیرش ماهیت خاصی از هوش مصنوعی در فقه است که بتواند به‌عنوان «اصل» مالکیت شناخته شود و شامل احکام تملک، خرید و فروش، و انتقال حقوق مالکیت آن گردد. این دیدگاه، چالش‌هایی نظیر تعیین مالکیت اصلی هوش مصنوعی (توسعه‌دهنده، خریدار، یا کاربر) را مطرح می‌کند.

قاعده «الخراج بالضمنان» نیز در تحلیل مالکیت آثار هوش مصنوعی می‌تواند راهگشا باشد. اگر شخصی (مثلاً یک شرکت توسعه‌دهنده هوش مصنوعی) ضمان (مسئولیت و ریسک مالی) یک سیستم هوش مصنوعی و تولیدات آن را به‌عهده می‌گیرد (برای مثال، هزینه‌های تحقیق و توسعه، نگهداری سرور، مصرف انرژی، و پیامدهای حقوقی و اجتماعی آن را متحمل می‌شود)، آنگاه منافع حاصل از آن سیستم (خروجی‌هایش) نیز می‌تواند متعلق به او باشد. این دیدگاه، مالکیت آثار را به مسئولیت‌پذیری و سرمایه‌گذاری در «اصل» (هوش مصنوعی) پیوند می‌زند، حتی اگر خود سیستم به‌طور کاملاً خودکار و مستقل عمل کند. این تفسیر، به‌خصوص در مواردی که هوش مصنوعی به‌صورت یک سرویس ارائه می‌شود و کاربر تنها از خروجی نهایی استفاده می‌کند، می‌تواند کارساز باشد.

با توجه به ماهیت نوین و پیچیده هوش مصنوعی و تفاوت آن با مصادیق سنتی در فقه، نمی‌توان به سادگی و بدون تحلیل عمیق، قاعده «تبعیت نماء از اصل» را به تمام ابعاد مالکیت آثار آن تعمیم داد. رویکرد غالب در فقه معاصر، احتمالاً بر نقش «سعی» و «عمل» انسانی در فرآیند تولید آثار توسط هوش مصنوعی تأکید خواهد داشت، مگر اینکه هوش مصنوعی به درجه‌ای از استقلال و خودبستگی در تولید برسد که بتوان آن را به‌عنوان یک «اصل» مولد نماء شناخته و مالکیت آن را به صاحب اصلی سیستم (مالک یا توسعه‌دهنده) اختصاص داد.

## ۵-۲. قاعده احترام

این قاعده نبوی شریف «لا یحل مال امرء مسلم الا بطیبۃ نفسہ منه» (عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۶، ص ۳۸۲)، اصلی اساسی در فقه معاملات و غضب است که بر حرمت مطلق تصرف در مال دیگری بدون رضایت او دلالت می‌کند. فقها در کتب مختلف فقهی، این قاعده را به‌عنوان دلیلی روشن بر ممنوعیت هرگونه تصرف عدوانی یا غیرمجاز در حقوق مالی مسلمانان برشمرده‌اند. نکته کلیدی قاعده، حرمت ذاتی تصرف است؛ این قاعده نه تنها غضب آشکار، بلکه هر نوع تصرف، ولو جزئی و بدون قصد اضرار، را در مال غیر بدون رضایت مالک حرام می‌داند. هدف اصلی قاعده، حمایت از حق مالکیت و جلوگیری از هرگونه تجاوز به آن است (عاملی، بی تا، ج ۶، ص ۸۲؛ سبزواری، بی تا، ج ۵، ص ۳۹۴). همچنین، اهمیت طیب نفس (رضایت قلبی) به این معناست که محوریت این قاعده بر طیب نفس یا رضایت قلبی و حقیقی مالک است. این رضایت باید فعلی و واقعی باشد. رضایت تقدیری (یعنی اگر مالک از وضعیت آگاه بود راضی می‌شد) یا رضایت صرفاً ظاهری، در بسیاری از موارد کافی نیست. امام خمینی (ره) در المکاسب المحرمه به صراحت بیان می‌دارد که رضایت تقدیری خلاف ظواهر ادله است و طیب نفس باید فعلی باشد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲، ص ۱۴۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۲۶۰). این تأکید بر رضایت فعلی، نشان از عمق و شدت حرمت تصرف بدون اذن است.

علاوه بر این، شمول مال به هر آنچه دارای ارزش است نکته‌ای کلیدی است؛ مال در این قاعده، معنای وسیعی دارد و شامل هر چیزی می‌شود که از نظر عرف دارای ارزش اقتصادی یا منفعت عقلایی باشد. این شامل اعیان و منافع، و حتی حقوقی مانند حق تألیف یا حق اختراع نیز می‌شود. آنچه که مالیت نداشته باشد، از دایره این قاعده خارج است، مگر اینکه ملک باشد که تصرف در آن نیز حرام است، هر چند ضمان آور نباشد (خویی، ۱۴۰۷ ق، ج ۵، ص ۳۲۳). دیگر بعد مهم، عدم زوال مالکیت با تغییر صفت است؛ حتی اگر مالی غضبی تغییر ماهیت دهد (مثلاً گندم به آرد تبدیل شود)، مالکیت اصلی زائل نمی‌شود و غاصب مالک آن نمی‌گردد، زیرا «مالکیت سابق ثابت بوده و برای زوال آن نیاز به دلیل است». لذا تصرف در آن همچنان حرام است، چرا که «ما طابت نفس صاحب الحنطه بطحنها» (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۴۰۸؛ مروارید، ۱۴۱۰ ق، ج ۳۶، ص ۹۱). در نهایت، شبهات مصداقی و علم اجمالی نیز مطرح است؛ در مواردی که علم اجمالی به وجود مال غیر در یک

مجموعه داریم، تصرف در آن مجموعه جایز نیست، زیرا این تصرف مستلزم تصرف در مال غیر بدون طیب نفس اوست. راه خروج از این شبهه، رجوع به حاکم شرع است (سبزواری، بی تا، ج ۳۰، ص ۳۰۹).

با توجه به تبیین فوق، به تحلیل فقهی مالکیت آثار هوش مصنوعی می پردازیم. اولین گام احراز مالیت است. آثار تولیدی هوش مصنوعی، اعم از متون، تصاویر، موسیقی، یا کدهای نرم افزاری، به وضوح دارای ارزش اقتصادی و قابلیت انتفاع هستند. این آثار قابلیت خرید و فروش، بهره برداری و کسب درآمد را دارند. بنابراین، از نظر فقهی می توان آن ها را مال محسوب کرد و مشمول قاعده «لا یحلُّ مالٌ امرئٍ مُسلمٍ إلا بَطیبِ نَفْسِهِ» دانست. این قاعده، به ویژه در مورد استفاده از داده های آموزشی دارای حق تکثیر در فرآیند تعلیم هوش مصنوعی، اهمیت مضاعفی پیدا می کند. اگر داده های مورد استفاده برای آموزش هوش مصنوعی، بدون کسب رضایت یا مجوز از صاحبان حق تکثیر آن ها به کار گرفته شوند، خروجی های حاصل از چنین فرآیندی می تواند مصداق «تصرف در مال غیر بدون طیب نفس» و مشمول قاعده «الاضرر» باشد. بنابراین، رعایت حقوق مالکیت داده های آموزشی، پیش شرطی برای مشروعیت مالکیت آثار تولیدی هوش مصنوعی است و باید در تحلیل های فقهی و حقوقی این حوزه مورد توجه جدی قرار گیرد.

تعیین مالک اولیه (صاحب طیب نفس) چالش اصلی است. هوش مصنوعی، مانند قلم یا ابزارهای دیگر، فاقد اراده و ذمه است. تولیدات آن صرفاً نتیجه پردازش الگوریتم ها و داده هاست. بنابراین، نمی تواند مالک اثر باشد. مالکیت به موجودیت ذی شعور و دارای اراده تعلق می گیرد که بتواند مالکیت را کسب و اسقاط کند.

برنامه نویس / توسعه دهنده هوش مصنوعی با سرمایه گذاری فکری، مالی و زمانی، این ابزار قدرتمند را خلق و توسعه می دهند. آن ها مالکیت معنوی بر خود الگوریتم ها و مدل های هوش مصنوعی را دارند. منطق فقهی می تواند به این سمت متمایل شود که مالکیت بر خروجی های این ابزار (در غیاب عامل دیگر)، به مالک خود ابزار بازمی گردد. این شباهت به این دارد که محصول یک کارخانه، متعلق به صاحب کارخانه است. بنابراین، طیب نفس برنامه نویس یا شرکت سازنده، در تصرف در این آثار، معتبر خواهد بود و تصرف بدون اذن او مشمول قاعده احترام است.

در مورد کاربر نهایی (پرامپت نویس / اپراتور)، وضعیت پیچیده تر است. اگر دستورات کاربر به قدری جزئی و خلاقانه باشد که هوش مصنوعی صرفاً نقش مجری را ایفا کند (مانند دستور دقیق یک معمار به یک ربات ساختمانی)، می توان گفت که خلاقیت و ایده اصلی از کاربر نشأت گرفته است و اثر به او تعلق دارد. در این حالت، طیب نفس کاربر برای تصرف دیگران در اثرش معتبر خواهد بود و تصرف بدون اذن او حرام است. اما اگر دستورات کاربر کلی و مبهم باشد و هوش مصنوعی با استفاده از الگوریتم های پیچیده و پایگاه داده های وسیع، اثری کاملاً نو و خلاقانه تولید کند که فراتر از انتظار کاربر است، تعیین مالکیت دشوار می شود. در اینجا، می توان به مالکیت اصلی توسعه دهنده هوش مصنوعی بازگشت، زیرا ابزار و الگوریتم های او منجر به خلق آن خلاقیت شده است. این وضعیت شبیه به مال کثیر است که مقدار آن در اقرار تعیین

می‌شود و کسی نمی‌تواند بیش از آنچه اقرار شده مطالبه کند، مگر با طیب نفس (مروارید، ۱۴۱۰ ق، ج ۳۴، ص ۱۶۰). در برخی موارد نیز، می‌توان قائل به مالکیت مشترک شد؛ به این معنا که هم کاربر و هم توسعه‌دهنده به‌نوعی در خلق اثر نقش داشته‌اند. در این صورت، تصرف در اثر بدون طیب نفس هر دو، حرام خواهد بود.

چالش‌های مربوط به داده‌های آموزشی و حق تکثیر نیز مطرح است. همان‌طور که پیش‌تر در بخش مقدمه و تبیین مالیت اشاره شد، اگر هوش مصنوعی با استفاده از داده‌های دارای حق تکثیر، اثری را تولید کند که شباهت زیادی به اثر اصلی دارد، این عمل می‌تواند مصداق تصرف در مال دیگری بدون طیب نفس او باشد. فقه بر حرمت تصرف در مال دیگری، حتی در صورت تغییر صفت، تأکید دارد و مالکیت اثر اصلی را زائل نمی‌داند (مروارید، ۱۴۱۰ ق، ج ۳۶، ص ۹۱). برای حلّیت این آثار، رضایت صاحبان اصلی داده‌ها ضروری است. اگرچه در برخی موارد، یادگیری هوش مصنوعی از داده‌ها ممکن است به معنای تصرف مستقیم در مال آن‌ها تلقی نشود، اما تولید اثر جدیدی که مستقیماً از آن داده‌ها نشأت گرفته، بدون اذن، می‌تواند مشکل‌ساز باشد و مصداق اضرار به حقوق صاحب اثر اصلی باشد.

در مورد مبنای رضایت در قراردادهای هوش مصنوعی، پلتفرم‌های هوش مصنوعی معمولاً با کاربران شرایط و ضوابطی را موافقت می‌کنند. آیا این موافقت، همان طیب نفس مورد نظر قاعده است؟ این قراردادها، در صورت شفافیت و عدم وجود اکراه یا غرر، می‌توانند مبنای رضایت محسوب شوند. اگر مالک (اعم از توسعه‌دهنده یا کاربر) با آگاهی کامل از مفاد قرارداد، رضایت خود را برای استفاده یا انتقال مالکیت آثار هوش مصنوعی اعلام کند، این رضایت از نظر فقهی معتبر است.

## ۶-۲. قاعده «اجتماع سبب و مباشر»

قاعده «اجتماع سبب و مباشر» از قواعد بنیادین فقهی در حوزه ضمان و مسئولیت مدنی است که به‌صراحت بیان می‌کند هرگاه سبب (عاملی که زمینه ضرر را فراهم می‌آورد) و مباشر (عاملی که مستقیماً ضرر را ایجاد می‌کند) در وقوع خسارت یا جنایت همزمان باشند، اگر مباشر در ایجاد نتیجه نهایی، قوی‌تر یا مساوی با سبب باشد، ضمان و مسئولیت بر عهده مباشر است. این امر از آن روست که مباشر با اراده و فعل مستقیم خود، تلف را محقق ساخته است. به‌عنوان مثال، اگر کسی چاهی حفر کند (سبب) و دیگری فردی را به داخل آن هل دهد (مباشر)، ضمان بر عهده دافع است (محقق حلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۴۷۹). این اصل، حتی در مواردی چون قرار دادن سنگ در منجنیق (سبب) و کشیدن طناب آن (مباشر)، که منجر به پرتاب سنگ و خسارت می‌شود، نیز صادق است و کشنده طناب ضامن است (حسینی عاملی و علامه حلی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۳۱۸)، زیرا مباشر در این موارد، قوی‌تر و مؤثرتر در ایجاد نتیجه بوده است (فاضل هندی، بی‌تا، ج ۱۱، ص ۲۷۹).

اما این قاعده دارای استثنائاتی است که به بحث تراحم موجبات معروف است. اگر مباشر از وضعیت سبب جاهل باشد یا به‌عبارتی فریب‌خورده (مغرور) باشد، مسئولیت بر عهده صاحب سبب (مُسَبَّب) خواهد بود. این حالت زمانی رخ می‌دهد که ضعف مباشر به دلیل عدم آگاهی یا فریب، باعث تقدم تأثیر سبب شود (محقق حلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۸۸). این حکم

به دلیل ضعف مباشر ناشی از غرور مورد تأیید اکثر فقهاست (محقق حلی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۴۸۸). در تراجم موجبات، گاهی سبب بر مباشر غلبه می‌کند؛ مثلاً در مورد شهادت دروغ شهود که منجر به اجرای قصاص توسط قاضی می‌شود، قصاص بر عهده شهود (سبب) است، زیرا فعل قاضی (مباشر) از نظر شرعی مجاز بوده است (شهید اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۹۶). در مقابل، گاهی مباشر غلبه می‌یابد؛ همانند زمانی که فردی از بلندی پرتاب می‌شود (دافع/سبب) اما قبل از برخورد با زمین، شخص دیگری (مباشر) او را با شمشیر دوانیم می‌کند. در این صورت، قصاص بر دافع (سبب) نیست، بلکه مباشر مسئول است. در شرایطی که سبب و مباشر در تأثیرگذاری برابر باشند، مانند اکراه بر قتل، قصاص بر عهده مباشر است، اما مکروه (آمر به قتل) نیز حبس دائم می‌شود (شهید اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۱۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۹۶). در نهایت، اگر چند مباشر در ایجاد خسارت نقش داشته باشند، فردی که فعل او قوی‌تر و مؤثرتر بوده، ضامن است (شهید اول، ۱۴۰۴ ق، ج ۴، ص ۳۱۲).

قاعده فقهی «اجتماع سبب و مباشر» در تحلیل مالکیت و مسئولیت در قبال آثار خلق شده توسط هوش مصنوعی، کاربرد بسیار مهمی دارد. این قاعده به ما کمک می‌کند تا در مواردی که یک اثر (مال) یا خسارت (تلف) ناشی از دخالت همزمان عوامل مختلف است، مسئولیت و در نتیجه مالکیت یا ضمان را به عامل صحیح نسبت دهیم. در اینجا، هوش مصنوعی می‌تواند نقشی مشابه سبب یا ابزار مباشر داشته باشد، در حالی که انسان (برنامه‌نویس، توسعه‌دهنده، یا کاربر) نقش مباشر یا صاحب سبب را ایفا می‌کند.

در بسیاری از موارد، هوش مصنوعی صرفاً یک ابزار پیشرفته است که کاربر با ارائه دستورات آن را هدایت می‌کند. در این حالت، اگر اثر خلق شده توسط هوش مصنوعی از طریق هدایت و تصمیم آگاهانه و مستقیم کاربر (مباشر) به وجود آمده باشد، مالکیت اثر به کاربر تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر، کاربر در اینجا مباشر اصلی است که با اراده خود از سبب (ابزار هوش مصنوعی) استفاده کرده و اثر را ایجاد کرده است.

اگر نقص یا خلاقیت از خود هوش مصنوعی (به دلیل طراحی و آموزش) باشد: در مواردی که نقص یا حتی خلاقیت اصلی اثر، نه از دستورات خاص کاربر، بلکه از طراحی، الگوریتم‌ها یا داده‌های آموزشی (که توسط توسعه‌دهنده فراهم شده) نشأت بگیرد، هوش مصنوعی در اینجا می‌تواند نقشی شبیه به مباشر ایفا کند، اما مسئولیت نهایی به سبب اصلی (یعنی برنامه‌نویس یا شرکت توسعه‌دهنده) بازمی‌گردد. این حالت شبیه به زمانی است که مباشر فریب خورده (مغرور) است یا فاقد اراده و آگاهی مستقل است و سبب اصلی (فراهم‌کننده زمینه) ضامن شناخته می‌شود.

## ۲-۷. قاعده لاضرر

قاعده «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» یکی از بنیادین‌ترین اصول فقه اسلامی است که از حدیث نبوی مشهور برگرفته شده و به معنای نفی هرگونه ضرر و زیان رساندن به خود و دیگران در دین اسلام است. این قاعده در گستره وسیعی از ابواب فقهی،

از عبادات تا معاملات و مسائل نوظهور، کاربرد فراوانی دارد و یکی از پنج قاعده‌ای محسوب می‌شود که بخش عمده‌ای از احکام شرعی بر آن استوار است (شهید اول، ۱۴۳۰ ق، ج ۱، ص ۷۴).

«ضرر» در اصطلاح فقهی به هر گونه نقصان وارد شده بر مال، جان، یا آبرو اطلاق می‌شود (مصطفوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۴). در خصوص «ضرر»، برخی فقها آن را تأکید «ضرر» دانسته‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲، ص ۱۹۴)، در حالی که عده‌ای آن را به معنای تداوم ضرر رساندن (سیستانی، بی‌تا، ص ۱۳۱-۱۳۳) یا ضرر رساندن متقابل (مصطفوی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱۴) تفسیر کرده‌اند. ملاک تشخیص ضرر، عرف است (نراقی، بی‌تا، ج ۱۵، ص ۱۷). فقها برای معنای این قاعده، نفی احکام ضرری را رایج‌ترین تفسیر می‌دانند؛ یعنی هر حکم شرعی (تکلیفی یا وضعی) که موجب ضرر برای مکلف یا دیگری باشد، توسط شارع تشریح نشده است (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۰). این تفسیر، قاعده را به‌عنوان حاکم بر سایر ادله احکام معرفی می‌کند که دامنه شمول احکام اولیه را در صورت ضرری بودن محدود می‌سازد (انصاری، ۱۴۱۶ ق، ج ۲، ص ۴۶۲). مستندات این قاعده شامل قرآن کریم (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۲۸-۳۰)، حدیث شریف (فخرالمحققین، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۸)، اجماع فقها (بجنوردی، ۱۴۱۹ ق، ج ۱، ص ۲۵۱)، و سیره عقلا است (محقق داماد، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۱). در تطبیق این قاعده بر حوزه مالکیت آثار هوش مصنوعی، قاعده لاضرر بر لزوم پرهیز از هر گونه اضرار در فرایند خلق، بهره‌برداری و انتساب مالکیت تأکید دارد. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، اگر یک سیستم هوش مصنوعی با استفاده از داده‌های دارای حق تکثیر که بدون مجوز جمع‌آوری شده‌اند، آموزش ببیند و سپس آثاری خلق کند که شباهت زیادی به آثار اصلی دارند یا مستقیماً از آن‌ها اقتباس شده‌اند، این امر مصداق ضرر به صاحبان اصلی حق تکثیر است. در این حالت، قاعده لاضرر ایجاب می‌کند که ضمان بر عهده توسعه‌دهنده هوش مصنوعی باشد. توسعه‌دهنده‌ای که داده‌های آموزشی را گردآوری یا سیستم را با داده‌های غیرمجاز آموزش داده است، به دلیل فراهم آوردن زمینه ضرر، مسئول جبران خسارت وارده به صاحبان حق تکثیر است. از این رو، رعایت حقوق صاحبان داده‌های آموزشی، شرطی اساسی برای عدم اضرار در تولید و بهره‌برداری از آثار هوش مصنوعی است.

### ۳. تحلیل فقهی سناریوهای محتمل مالکیت و حکم آن‌ها

با اذعان به مالیت این آثار (مبتنی بر منافع عقلایی و قابلیت انتفاع) و نفی اهلیت تملک از خود هوش مصنوعی (به دلیل فقدان شعور، اراده، و قصد فقهی)، تمرکز بر نحوه انتساب مالکیت به اشخاص حقیقی (پدیدآورنده یا کاربر) معطوف می‌گردد. این تحلیل بر پایه قواعد بنیادین فقه امامیه، نظیر مباشرت، سببیت، سعی، قصد، لاضرر و حاکمیت اراده استوار است.

### ۳-۱. هوش مصنوعی به مثابه ابزار محض

در این سناریو، هوش مصنوعی صرفاً ابزاری پیشرفته برای اجرای دقیق دستورات کاربر است (مثال: فیلترهای گرافیکی). ایده پردازی، خلاقیت، و تصمیم‌گیری‌های اساسی منحصرأ از سوی کاربر صورت می‌گیرد. مالکیت انحصاری کاربر در این حالت قطعی است. ادله فقهی شامل:

- مباشرت مستقیم در عمل: کاربر مباشر ایجاد اثر است و هوش مصنوعی، آلت فعل اوست.
- صدق انحصاری «سعی» و «عمل» بر کاربر: بر اساس آیه «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»، تنها سعی و عمل هدفمند کاربر است که منجر به خلق اثر می‌شود.
- قصد انشائی (القصد): رکن اساسی مالکیت فکری، قصد فاعل برای خلق اثری معین است که صرفاً نزد کاربر وجود دارد. بنابراین، مالکیت اثر در این سناریو بدون تردید به کاربر تعلق دارد.

### ۳-۲. هوش مصنوعی به مثابه همکار خلاق

این سناریو، کانون اصلی بحث و چالش است. هوش مصنوعی (مانند مدل‌های زبانی/تصویری مولد) بر اساس دستورات کلی کاربر و با استقلال نسبی، به خلق اثر می‌پردازد. محصول نهایی، ترکیبی از ایده کاربر و پردازش خلاقانه ماشین است. اینجا با «عمل مرکب» و «تداخل اسباب و اعمال» مواجهیم. دیدگاه‌های فقهی متصور در این خصوص عبارتند از:

- مالکیت انحصاری کاربر (نظریه سبب اقوی و مباشرت معنوی): این دیدگاه، کاربر را «علت فاعلی قریب» و «مباشر معنوی» می‌داند. در تراحم سبب و مباشر، مباشر اولویت دارد. از آنجا که هوش مصنوعی فاقد اراده است، به منزله آلت در دست کاربر تلقی می‌شود و قصد خلق اثر مشخص صرفاً نزد کاربر است. قاعده «ترجیح سبب اقوی» نیز مؤید این نظر است، چرا که قصد و عمل انتخاب کاربر مؤثرترین نقش را در فعلیت یافتن اثر دارد.
- مالکیت انحصاری پدیدآورنده (نظریه تبعیت نماء از اصل): بر اساس «النَّمَاءُ يَتَّبِعُ الْأَصْلَ فِي الْمَلِكِ»، هوش مصنوعی (اصل) و آثارش (نماء) به پدیدآورنده تعلق دارد. این دیدگاه مردود است؛ زیرا اراده و عمل مستقل کاربر، تبعیت ذاتی نماء از اصل را قطع می‌کند و نادیده گرفتن سعی خلاقانه کاربر، با روح عدالت فقهی ناسازگار است.
- مالکیت مشترک (نظریه شرکت اعمال و اموال): این دیدگاه، اثر را محصول «امتزاج» عمل کاربر و مال/عمل پدیدآورنده می‌داند و به دلیل عدم تفکیک دقیق سهم، حکم به «شرکت» می‌دهد. این نظر مبتنی بر قاعده عدل و انصاف است.
- مالکیت مبتنی بر قرارداد و شرط (نظریه حاکمیت اراده مشروطه - ارجح): این دیدگاه، راهگشاسترین نظر است و حکم مسئله را به اراده طرفین و شروط ضمن عقد ارجاع می‌دهد («أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»، «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ»). اگر کاربر با آگاهی و تراضی، قراردادی را بپذیرد که مالکیت اثر را به پدیدآورنده یا به صورت مشترک واگذار می‌کند،

آن شرط معتبر است؛ مشروط بر اینکه خلاف مقتضای ذات عقد یا خلاف شرع (مانند اکل مال به باطل یا ایجاد ضرر فاحش بر کاربر بدون مابه‌ازای عادلانه) نباشد. صحت این شرط به شفافیت، آگاهی و عادلانه بودن قرارداد وابسته است.

### ۳-۳. هوش مصنوعی با استقلال کامل

در این سناریو، هوش مصنوعی بدون دخالت آنی و مستقیم کاربر، بر اساس هدف اولیه تعریف شده توسط پدیدآورنده، به صورت خودجوش و مستمر به خلق اثر می‌پردازد. در این حالت، تنها سبب انسانی قابل ردیابی، پدیدآورنده سیستم است.

- مالکیت انحصاری پدیدآورنده (الاقوی): در غیاب کاربر، عمل خلق سیستم خودکار و اعطای قابلیت‌های مولد به آن، مصداق «تسیب» در ایجاد تمام آثار آتی است. قاعده «تبعیت نماء از اصل» در اینجا، بدون معارض (عمل کاربر)، جاری می‌شود و با قاعده احترام عمل و سرمایه پدیدآورنده سازگار است.
- اباحه اولیه و مالکیت حیازت‌کننده (مردود): این دیدگاه به دلیل نادیده گرفتن سرمایه و عمل عظیم پدیدآورنده و مخالفت با قواعد احترام مال و لاضرر، مردود است.

### ۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

تحلیل فقهی مالکیت آثار هوش مصنوعی، که بر پایه مالیت این آثار و نفی اهلیت تملک از خود ماشین استوار است، به تبیین دقیق انتساب حقوق مالکیت به فاعل انسانی می‌پردازد. این انتساب، با محوریت «سعی» و «قصد انشائی» انسان، در سناریوهای مختلف تعامل با هوش مصنوعی متجلی می‌شود. در حالت ابزار محض، مالکیت به دلیل مباشرت کامل و انحصار قصد و سعی، به کاربر تعلق می‌گیرد. در سناریوی همکار خلاق، با تأکید بر «سببیت اقوی» و نقش محوری قصد آفرینش کاربر، غالب مالکیت به او منتسب می‌شود؛ مگر آنکه قراردادهای شفاف و عادلانه‌ای خلاف آن را شرط کرده باشند، مشروط بر آنکه این شروط مغایر مقتضای ذات عقد یا اصول شرعی نظیر «لاضرر» و «عدالت» نباشند. در سناریوی استقلال کامل، که سیستم بدون دخالت مستقیم کاربر اثر تولید می‌کند، مالکیت به پدیدآورنده سیستم منتقل می‌شود، که این حکم بر مبنای «تسیب» و «تبعیت نماء از اصل» در غیاب مباشر انسانی دیگر توجیه می‌گردد. نقش محوری قراردادهای شفاف، مشروط به رعایت شفافیت، آگاهی کامل طرفین و وجود مابه‌ازای عادلانه، ابزاری کلیدی برای تنظیم روابط حقوقی است و از اکل مال به باطل جلوگیری می‌کند.

- با توجه به این نتایج، پیشنهادات ذیل ارائه می‌شود:
- تدوین اصول راهبردی فراملی برای مالکیت هوش مصنوعی: به جای قوانین جزئی، تدوین اصول کلان و انعطاف‌پذیر حقوقی در سطح بین‌المللی که مبنای انتساب مالکیت (سعی، قصد، سببیت) و حدود آن را در

قبال آثار هوش مصنوعی تبیین کند. این اصول باید ظرفیت سازگاری با نظام‌های حقوقی مختلف، از جمله فقه اسلامی، را داشته باشد.

- تسهیل استانداردسازی و شفافیت قراردادهای هوش مصنوعی: الزام پلتفرم‌های هوش مصنوعی به توسعه و به‌کارگیری الگوهای قراردادی شفاف و قابل فهم در سطح جهانی برای تعیین مالکیت آثار. این الگوها باید به گونه‌ای طراحی شوند که حقوق و تکالیف کاربر و پدیدآورنده را به وضوح مشخص کرده و شامل مکانیسم‌های جبران عادلانه برای سلب احتمالی حقوق باشند.
- سرمایه‌گذاری بر پژوهش‌های میان‌رشته‌ای مستمر: تشویق و حمایت از پروژه‌های تحقیقاتی مشترک میان متخصصان حقوق، فلسفه، فقه، اخلاق و علوم کامپیوتر برای کاوش عمیق‌تر در چالش‌های نوظهور (مانند ماهیت «خلاقیت ماشینی»، مسئولیت‌های چندجانبه در سیستم‌های پیچیده، یا حقوق اخلاقی آثار پدیدآمده توسط هوش مصنوعی) و ارائه راه‌حل‌های تطبیقی و جامع.
- ارتقاء آگاهی عمومی و سواد حقوقی هوش مصنوعی: آموزش عمومی و تخصصی درباره ابعاد حقوقی و اخلاقی استفاده از هوش مصنوعی، به‌ویژه در زمینه مالکیت فکری. این سواد حقوقی به کاربران امکان می‌دهد تا با آگاهی بیشتری از حقوق خود در تعامل با سیستم‌های هوش مصنوعی استفاده کرده و به توسعه فرهنگ مسئولیت‌پذیری در فضای دیجیتال کمک کنند.

## منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمد کاظم. (۱۴۰۹ ق.). *کفایة الاصول*. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- استرآبادی، محمد بن علی. (بی تا). *آیات الأحکام*. (محمدباقر شریف زاده). تهران: معراجی.
- انصاری، محمد علی (خلیفه شوشتری). (۱۴۱۵ ق.). *الموسوعه الفقهیه المیسره*. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری). (۱۴۱۳ ق.). *عمده المطالب فی التعلیق علی المکاسب*. (تقی طباطبایی قمی). قم: محلاتی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری). (۱۴۱۶ ق.). *فرائد الاصول*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری). (بی تا الف). *حاشیه المکاسب (اصفهان)*. (عباس آل‌سیاب قطفی و محمدحسین اصفهانی). قم: ذوی القربی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری). (بی تا ب). *حاشیه المکاسب (آخوند)*. (محمد کاظم بن حسین آخوند خراسانی و مهدی شمس‌الدین). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین (شیخ انصاری). (بی تا ج). *حاشیه المکاسب (یزدی)*. (محمد کاظم بن عبدالعظیم یزدی). قم: اسماعیلیان.
- بجنوردی، حسن. (۱۴۱۹ ق.). *القواعد الفقهیه*. (محمدحسین درایتی و مهدی مهریزی). قم: نشر الهادی.

- بجنوردی، سید محمدحسن. (۱۴۰۱ق). القواعد الفقهیه. قم: بی‌نا.
- تبریزی، جعفر سبحانی. (۱۳۸۲). المواهب فی تحریر أحكام المكاسب. قم: مؤسسه الإمام الصادق (ع).
- تبریزی، جعفر سبحانی. (۱۴۲۹ق). رسائل فقهیه. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- حسینی حائری، کاظم. (بی‌تا). فقه العقود. قم: مجمع الفکر الإسلامی.
- حسینی زبیدی، محمد مرتضی. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- حسینی عاملی، محمدجواد بن محمد؛ حلی، حسن بن یوسف (علامه حلی). (بی‌تا). مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامة. (محمدباقر خالصی). قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- حکیم، سید محسن. (۱۳۹۱ق). مستمسک عروه الوثقی. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- حکیم، سید محسن. (بی‌تا). نهج الفقاهه. بی‌جا: بی‌نا.
- خویی، ابوالقاسم. (۱۴۰۷ق). التتبیح فی شرح العروه الوثقی. (محمد کاظم بن عبدالعظیم یزدی). قم: لطفی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۷۴). کتاب المساقاة. نجف اشرف: المطبعة الحیدریه.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۷ق). مصباح الفقاهه. (محمدعلی توحیدی). قم: انصاریان.
- خویی، سید ابوالقاسم. (بی‌تا). موسوعه الإمام الخویی. قم: مؤسسه إحياء آثار الامام الخویی.
- خوانساری نجفی، موسی. (بی‌تا). منیه الطالب. (مرتضی بن محمدامین انصاری و محمدحسین نائینی). قم: المكتبة المحمديه.
- روحانی، محمدصادق. (۱۴۱۴ق). المسائل المستحدثه. قم: دار الكتاب.
- روحانی، محمدصادق. (بی‌تا). فقه الصادق (ع). قم: بی‌نا.
- سبزواری، عبدالاعلی. (بی‌تا). مهذب الاحکام. قم: دارالتفسیر.
- سیستانی، علی. (بی‌تا). قاعده لا ضرر ولا ضرار. قم: مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۰۴ق). غایه المراد فی شرح نکت الابرشاد. (زین الدین بن علی شهید ثانی و حسن بن یوسف علامه حلی). قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- شهید اول، محمد بن مکی. (۱۴۳۰ق). القواعد و الفوائد. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- شهیدی، سید مهدی. (بی‌تا). تشکیل قراردادها و تعهدات. تهران: مجد.
- صفایی، حسین. (بی‌تا). اشخاص و اموال. تهران: میزان.
- طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی). (بی‌تا). الخلاف. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی). (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت (ع).
- عاملی، محمد بن حسن (حر عاملی). (بی‌تا). هدايه الأئمة إلى أحكام الأئمة (ع). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.
- غلامحسین، نیره. (۱۳۹۴). حقوق مالکیت فکری و حمایت از صنایع دستی در نظام بین‌الملل. تهران: مجد.
- فائزی، محمد؛ بهرام ارجاوند، روح‌الله. (بی‌تا). شرط مالیت در معاملات ملکی در متاورس از منظر فقه امامیه. پژوهش‌های فقهی مسائل مستحدثه، (۲). ۱۲۲-۱۴۰.
- فاضل هندی، محمد بن حسن. (بی‌تا). کشف اللثام عن قواعد الأحکام. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- فخرالمحققین، محمد بن حسن. (بی‌تا). إنباح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد. (حسن بن یوسف علامه حلی). قم: اسماعیلیان.
- فیومی، أحمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر. قم: مؤسسه دار الهجرة.

- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۱). *قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی*. تهران: نشر میزان.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۴ ق). *التنقیح الرائع لمختصر الشرائع*. (عبداللطیف حسینی کوهکمری و مقداد بن عبدالله فاضل مقداد). قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق). *شرائع الاسلام*. قم: بی نا.
- محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۹ ق). *الشرح الصغير فی شرح المختصر النافع*. (علی بن محمد علی طباطبایی کربلایی و مهدی رجایی). قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی.
- محقق داماد، مصطفی. (بی تا). *قواعد فقه (بخش مدنی)*. تهران: سمت.
- محمودی، اصغر. (۱۳۹۱). ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن‌ها در حقوق اموال. *دانش حقوق مدنی*، ۲(۱). ۹۴-۱۰۷.
- مروارید، علی اصغر. (۱۴۱۰ ق). *سلسله‌الینایع الفقهیة*. بیروت: الدار الإسلامیة.
- مصطفوی، محمد کاظم. (۱۴۲۱ ق). *القواعد: مائة قاعدة فقهیة*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مصطفوی، محمد کاظم. (بی تا). *القواعد الفقهیة ۱*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی.
- مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (بی تا). *زبدة البیان فی أحكام القرآن*. تهران: مکتبه المرتضویة.
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۰). *القواعد الفقهیة*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۱۱ ق). *انوار الفقاهة: کتاب البیع*. قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).
- مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع). (۱۳۸۱). *موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت (ع)*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع).
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹). *البیع*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲). *المکاسب المحرمه (ج ۱)*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- نجفی، محمد حسن بن باقر (صاحب جواهر). (۱۴۰۴ ق). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*. (جعفر بن حسن محقق حلی). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی. (بی تا). *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*. قم: مؤسسه آل البيت (ع).

## References

- Ākhūnd Khorāsānī, Muḥammad Kāzīm. (1409 AH). *Kifāyat al-Uṣūl*. Qom: Āl al-Bayt ('a.s.) Institute. [In Arabic].
- ‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan [al-Ḥurr al-‘Āmilī]. (1409 AH). *Wasā’il al-Shī‘ah*. Qom: Āl al-Bayt ('a.s.) Institute. [In Arabic].
- ‘Āmilī, Muḥammad ibn Ḥasan [al-Ḥurr al-‘Āmilī]. (n.d.). *Hidāyat al-Ummah ilā Ahkām al-‘Immah* ('a.s.). Mashhad: Majma‘ al-Buḥūth al-Islāmiyyah. [In Arabic].
- Anṣārī, Muḥammad ‘Alī [Khalīfah Shoshtarī]. (1415 AH). *Al-Mawsū‘ah al-Fiḥriyyah al-Muyassarrah*. Qom: Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. [In Arabic].
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn [Shaykh Anṣārī]. (1413 AH). *Umdat al-Maṭālib fī al-Ta’līq ‘alā al-Makāsib*. (Ed. Taqī Ṭabātabā’ī Qummī). Qom: Mahallātī Publications. [In Arabic].
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn [Shaykh Anṣārī]. (1416 AH). *Farā'id al-Uṣūl*. Qom: Mu’assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn [Shaykh Anṣārī]. (n.d.-a). *Hāshiyat al-Makāsib (Iṣfahānī)*. (Eds. ‘Abbās Āl-Sibā’ al-Qaṭīfī & Muḥammad Ḥusayn Iṣfahānī). Qom: Dhawī al-Qurbā Publications. [In Arabic].

- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn [Shaykh Anṣārī]. (n.d.-b). *Hāshiyat al-Makāsib (Ākhūnd)*. (Eds. Muḥammad Kāzīm ibn Ḥusayn Ākhūnd Khorāsānī & Mahdī Shams al-Dīn). Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Arabic].
- Anṣārī, Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn [Shaykh Anṣārī]. (n.d.-c). *Hāshiyat al-Makāsib (Yazdī)*. (Ed. Muḥammad Kāzīm ibn ‘Abd al-‘Azīm Yazdī). Qom: Ismā‘īliyyān Publications. [In Arabic].
- Astarābādī, Muḥammad ibn ‘Ali. (n.d.). *Āyāt al-Aḥkām*. (Ed. Muḥammad Bāqir Sharīfzadeh). Tehran: Mi‘rājī Publications. [In Arabic].
- Bujnūrdī, Ḥasan. (1419 AH). *Al-Qawā‘id al-Fiḥiyyah*. (Eds. Muḥammad Ḥusayn Dirāyatī & Mahdī Mihrīzī). Qom: al-Hādī Publications. [In Arabic].
- Bujnūrdī, Sayyid Muḥammad Ḥasan. (1401 AH). *Al-Qawā‘id al-Fiḥiyyah*. Qom: N.p. [In Arabic].
- Fāḍil Hindī, Muḥammad ibn Ḥasan. (n.d.). *Kashf al-Lithām ‘an Qawā‘id al-Aḥkām*. Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].
- Fā‘izī, Muḥammad, & Bahrām Arjavand, Ruhullah. (n.d.). “*Sharḥ-i Māliyyat dar Mu‘āmalāt-i Milkī dar Mūtāvars az Manzar-i Fiḥ-i Imāmiyyah*.” *Journal of New Issues in Islamic Jurisprudence*, (2), 122–140. [In Persian].
- Fakhr al-Muḥaqqiqīn, Muḥammad ibn Ḥasan. (n.d.). *Īdāḥ al-Fawā‘id fī Sharḥ Ishkālāt al-Qawā‘id*. (Ḥasan ibn Yūsuf al-‘Allāmah al-Ḥillī). Qom: Ismā‘īliyyān Publications. [In Arabic].
- Fayyūmī, Aḥmad ibn Muḥammad. (1414 AH). *Al-Miṣbāḥ al-Munīr*. Qom: Mu‘assasat Dār al-Hijrah Publications. [In Arabic].
- Ghulām-Ḥusayn, Nīreh. (1394 SH). *Ḥuqūq-i Mālikiyyat-i Fikrī va Ḥimāyat az Ṣanāyi‘-i Dastī dar Nizām-i Bayn al-Milal*. Tehran: Majd Publications. [In Persian].
- Ḥakīm, Sayyid Muḥsin. (1391 AH). *Mustamsak al-‘Urwah al-Wuthqā*. Beirut: Dār Iḥyā‘ al-Turāth al-‘Arabī. [In Arabic].
- Ḥakīm, Sayyid Muḥsin. (n.d.). *Nahj al-Fiḥah*. N.p.: N.p. [In Arabic].
- Ḥusaynī ‘Āmilī, Muḥammad Jawād ibn Muḥammad; Ḥillī, Ḥasan ibn Yūsuf [‘Allāmah Ḥillī]. (n.d.). *Miftāḥ al-Karāmah fī Sharḥ Qawā‘id al-‘Allāmah*. (Ed. Muḥammad Bāqir Khālīshī). Qom: Mu‘assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].
- Ḥusaynī Ḥā‘irī, Kāzīm. (n.d.). *Fiḥ al-‘Uqūd*. Qom: Majma‘ al-Fikr al-Islāmī. [In Arabic].
- Ḥusaynī Zubaydī, Muḥammad Murtaḍā. (1414 AH). *Tāj al-‘Arūs min Jawāhir al-Qāmūs*. Beirut: Dār al-Fikr. [In Arabic].
- Ibn Manzūr, Muḥammad ibn Mukarram. (1414 AH). *Lisān al-‘Arab*. Beirut: Dār Ṣādir. [In Arabic].
- Kātūziyān, Nāshir. (1381 SH). *Qānūn-i Madanī dar Nazm-i Ḥuqūqī-yi Kunūnī*. Tehran: Mīzān Publications. [In Persian].
- Khānsārī Najafī, Mūsā. (n.d.). *Munyat al-Ṭālib*. (Eds. Murtaḍā ibn Muḥammad Amīn Anṣārī & Muḥammad Ḥusayn Nā‘inī). Qom: Al-Maktabah al-Muḥammadiyyah. [In Arabic].
- Khoei, Abū al-Qāsim. (1407 AH). *Al-Tanqīḥ fī Sharḥ al-‘Urwah al-Wuthqā*. (Ed. Muḥammad Kāzīm ibn ‘Abd al-‘Azīm Yazdī). Qom: Luṭfī Publications. [In Arabic].
- Khoei, Sayyid Abū al-Qāsim. (1374 SH). *Kitāb al-Musāqāt*. Najaf al-Ashraf: Al-Maṭba‘ah al-Ḥaydariyyah. [In Arabic].
- Khoei, Sayyid Abū al-Qāsim. (1417 AH). *Miṣbāḥ al-Fiḥah*. (Ed. Muḥammad ‘Ali Tawḥīdī). Qom: Anṣārīyān Publications. [In Arabic].
- Khoei, Sayyid Abū al-Qāsim. (n.d.). *Mawsū‘at al-Imam al-Khoei*. Qom: Imam Al-Khoei Works Revival Foundation. [In Arabic].
- Mahmūdī, Aṣghar. (1391 SH). “*Māhiyyat-i Ḥuqūq-i Mālikiyyat-i Fikrī va Jāyigāh-i Ānhā dar Ḥuqūq-i Amvāl*.” *Journal of Dānish-i Ḥuqūq-i Madanī*, 2(1), 94–107. [In Persian].
- Makārim Shīrāzī, Nāshir. (1370 SH). *Al-Qawā‘id al-Fiḥiyyah*. Qom: Madrasat al-Imam ‘Ali ibn Abī Ṭālib (‘a.s.). [In Arabic].
- Makārim Shīrāzī, Nāshir. (1411 AH). *Anwār al-Fiḥah: Kitāb al-Bay‘*. Qom: Madrasat al-Imam ‘Ali ibn Abī Ṭālib (‘a.s.). [In Arabic].
- Marvārīd, ‘Ali Aṣghar. (1410 AH). *Silsilat al-Yanābī‘ al-Fiḥiyyah*. Beirut: Al-Dār al-Islāmiyyah Publications. [In Arabic].

- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1389 SH). *Kitāb Al-Bay'*. Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic].
- Mousavi Khomeini, Sayyid Ruhullah. (1392 SH). *Al-Makāsib al-Muḥarramah*, (Vol. 1). Tehran: Institute for the Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. [In Arabic].
- Muḥaqqiq Dāmād, Muṣṭafā. (n.d.). *Qawā'id-i Fiqh (Bakhsh-i Madanī)*. Tehran: SAMT Publications. [In Persian].
- Muḥaqqiq Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. (1404 AH). *Al-Tanqīh al-Rā'i li-Mukhtaṣar al-Sharā'i'*. (Eds. 'Abd al-Laṭīf Ḥusaynī Kūhkamārī & Miqdād ibn 'Abd Allāh Fāḍil Miqdād). Qom: The Library of Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic].
- Muḥaqqiq Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. (1408 AH). *Sharā'i' al-Islām*. Qom: N.p. [In Arabic].
- Muḥaqqiq Ḥillī, Ja'far ibn Ḥasan. (1409 AH). *Al-Sharḥ al-Ṣaghīr fī Sharḥ al-Mukhtaṣar al-Nāfi'*. (Eds. 'Ali ibn Muḥammad 'Ali Ṭabāṭabā'i Karbalā'i & Mahdī Rajā'i). Qom: The Library of Grand Ayatollah Mar'ashi Najafi. [In Arabic].
- Muqaddas Ardabīlī, Aḥmad ibn Muḥammad. (n.d.). *Zubdat al-Bayān fī Aḥkām al-Qur'ān*. Tehran: Maktabat al-Murtaḍawīyah. [In Arabic].
- Muṣṭafawī, Muḥammad Kāzīm. (1421 AH). *Al-Qawā'id: Mi'at Qā'idah Fiqhiyyah*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].
- Muṣṭafawī, Muḥammad Kāzīm. (n.d.). *Al-Qawā'id al-Fiqhiyyah*, (Vol. 1). Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].
- Najafī, Muḥammad Ḥasan ibn Bāqir. (1404 AH). *Jawāhir al-Kalām fī Sharḥ Sharā'i' al-Islām*. (Ja'far ibn Ḥasan al-Muḥaqqiq al-Ḥillī). Beirut: Dār Iḥyā' al-Turāth al-'Arabī. [In Arabic].
- Narāqī, Aḥmad ibn Muḥammad Mahdī. (n.d.). *Mustanad al-Shī'ah fī Aḥkām al-Sharī'ah*. Qom: Āl al-Bayt ('a.s.) Institute. [In Arabic].
- Rūḥānī, Muḥammad Ṣādiq. (1414 AH). *Al-Masā'il al-Mustaḥdathah*. Qom: Dār al-Kitāb. [In Arabic].
- Rūḥānī, Muḥammad Ṣādiq. (n.d.). *Fiqh al-Ṣādiq* ('a.s.). Qom: N.p. [In Arabic].
- Sabzawārī, 'Abd al-A'lā. (n.d.). *Muḥadhdhab al-Aḥkām*. Qom: Dār al-Tafsīr. [In Arabic].
- Ṣafā'i, Ḥusayn. (n.d.). *Ashkhāṣ va Amvāl*. Tehran: Mīzān Publications. [In Persian].
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad ibn Makkī. (1404 AH). *Ghāyat al-Murād fī Sharḥ Nukat al-Irshād*. (Eds. Zayn al-Dīn ibn 'Alī al-Shahīd al-Thānī & Ḥasan ibn Yūsuf al-'Allāmah al-Ḥillī). Qom: Daftar-i Tabliḡhāt-i Islāmī. [In Arabic].
- Shahīd al-Awwal, Muḥammad ibn Makkī. (1430 AH). *Al-Qawā'id wa al-Fawā'id*. Qom: Maktab al-I'lām al-Islāmī. [In Arabic].
- Shahīdī, Sayyid Mahdī. (n.d.). *Tashkīl-i Qarārdād-hā va Ta'ahhudāt*. Tehran: Majd Publications. [In Persian].
- Sīstānī, 'Alī. (n.d.). *Qā'idat Lā Ḍarar wa Lā Ḍirār*. Qom: The Library of Ayatollah al-'Uzmā al-Sayyid al-Sīstānī. [In Arabic].
- Tabrīzī, Ja'far Subḥānī. (1382 SH). *Al-Mawāhib fī Tahrīr Aḥkām al-Makāsib*. Qom: Mu'assasat al-Imam al-Ṣādiq ('a.s.). [In Arabic].
- Tabrīzī, Ja'far Subḥānī. (1429 AH). *Rasā'il Fiqhiyyah*. Qom: Mu'assasat Imam al-Ṣādiq ('a.s.). [In Arabic].
- The Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Based on the School of the Ahl al-Bayt ('a.s.). (1381 SH). *Mawsū'at al-Fiqh al-Islāmī Ṭibqan li-Madhdhab Ahl al-Bayt* ('a.s.). Qom: The Institute of the Encyclopedia of Islamic Jurisprudence Based on the School of the Ahl al-Bayt ('a.s.). [In Arabic].
- Ṭūsī, Muḥammad ibn Ḥasan [Shaykh al-Ṭūsī]. (n.d.). *Al-Khilāf*. Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic].